

فصل سیزدهم

حدود

تعریف حدود:

حدود جمع حد است و حد در اصل: مانع میان دو چیز است.

و در لغت به معنی منع و بازداشتن است.^[1353]

و در اصطلاح «مجازاتهایی است که شریعت برای گناهان مشخص کرده تا از وقوع در امثال آن جلوگیری کند».^[1354]

فهرست

جرایم حدود (گناهایی که شریعت برای انجام دهندگانش حد معینی بیان کرده است)

«قرآن و سنت مجازات و کیفرهای مشخصی را برای جرایم معینی مقرر داشته که جرایم حدود نامیده می‌شود و عبارتند از: زنا، قذف (تهمت ناروا)، دزدی، شرابخواری، محاربه، ارتداد و بغی و تجاوز».^[1355]

فضیلت اجرای حدود:

از ابوهریره روایت است که پیامبر^۲ فرمود: (حدی که در روی زمین اجرا می‌شود برای زمینیان بهتر از باریدن چهل روز باران است).^[1356]

اجرای حدود بر خویشاوند، بیگانه، با شرافت و طبقات پایین، یکسان و واجب است

از عباده بن صامت روایت است که پیامبر^۲ فرمود: (أقیموا حدود الله فی القریب و البعید، و لاتأخذکم فی الله لومة لائم)^[1357] «حدود خدا را بر هر خویشاوند و بیگانه اجرا کنید و ملامت هیچ ملامتگری شما را از اجرای حد باز ندارد».

از عائشه روایت است: اسامه درباره زنی که دزدی کرده بود با پیامبر^۲ صحبت کرد، پیامبر فرمود: (إنما هلک من کان قبلکم أنهم کانوا یقیمون الحد علی الوضیع و یترون علی الشریف، والذی نفسی بیده لو فاطمة فعلت ذلک لقطعتم یدها)^[1358] «همانا کسانی که قبل از شما بوده‌اند به این خاطر هلاک شدند که حد را بر انسانهای ضعیف اجرا می‌کردند».

ولی از اجرای آن بر انسانهای شریف خودداری می نمودند، قسم به ذاتی که جانم در دست او است اگر فاطمه (دخترم) این کار را می کرد، دستش را قطع می کردم».

فهرست

کراهت سفارش در حدود آنگاه که قضیه به سلطان (قاضی) رسید

از عائشه (رض) روایت است: قضیه سرقت زن مخزومی قریش را اندوهگین ساخت و گفتند: چه کسی در این باره با پیامبر ﷺ صحبت می کند؟ چه کسی جرأت این کار را دارد بجز اسامه، محبوب پیامبر ﷺ بنابراین اسامه با پیامبر ﷺ در این باره صحبت کرد، پیامبر فرمود: (أَشْفَعُ فِي حَدِّ مَنْ حُدَّ اللَّهُ؟) «آیا در مورد حدی از حدود خدا سفارش می کنی؟». سپس بلند شد و خطبه خواند و فرمود: (يا أيها الناس إنما ضل من كان قبلكم أنهم كانوا إذا سرق الشریف تركوه و إذا سرق الضعیف فیهم أقاموا علیه الحد، و ایم الله لو أنفاطمة بنت محمد سرقت لقطع محمد یدها) [1359] «ای مردم! پیشینیان شما به این دلیل گمراه شدند که وقتی انسانی شریف سرقت می کرد، بر او حد جاری نمی کردند ولی هر گاه ضعیفی از آنها سرقت می کرد حد را بر او جاری می کردند. قسم به خدا اگر فاطمه دختر محمد سرقت کند محمد دست او را می برد».

پوشاندن عیب مؤمن مستحب است

از ابوهریره روایت است: پیامبر ﷺ فرمود: (من ستر مسلما ستره الله فی الدنيا و الآخرة) [1360] هر کس عیب مسلمانی را ببوشاند، خدا عیب او را در دنیا و آخرت می پوشاند».

و نیز مستحب است که بنده عیب خودش را ببوشاند؛ به دلیل فرموده پیامبر ﷺ: (كل أمتی معافی إلا المجاهرین، وإن من المجاهرة أن یعمل الرجل باللیل عملاً، ثم یصبح و قد ستره الله علیه، فیقول: یا فلان عملت البارحة كذا و كذا و قد بات یستره ربه و یصبح یكشف ستر الله علیه) [1361] «تمام امتم مورد عفو قرار می گیرند مگر کسانی که (گناهی انجام می دهند و آنرا) آشکار می کنند، و از جمله آشکار کردن گناه این است که کسی، شب گناهی را انجام دهد و تا صبح خدا گناهش را پوشیده دارد اما او در روز بگوید: فلانی: دیشب فلان گناه و فلان گناه را انجام داده ام، در حالی که پروردگارش آن را پوشانده، ولی او پوششی را که خدا بر عیب او قرار داده بر می دارد (گناهش را آشکار می کند)».

فهرست

حدود، کفاره گناهان هستند

از عباده بن صامت روایت است: در مجلسی با پیامبر ﷺ بودیم، فرمود: (بایعونی علی أن لا تشركوا بالله شیئا ولا تسرقوا ولا تزنوا) «با من بیعت کنید بر اینکه هیچ کسی و هیچ چیزی را شریک خدا قرار ندهید و سرقت و زنا نکنید» سپس تمام آیه (مربوط به بیعت زنان را) تلاوت کرد و گفت: (فمن وفی منكم فأجره علی الله، و من أصاب من ذلك شئاً فعوقب به فو كفارته، و من أصاب من ذلك شیئاً فستره الله علیه فهو إلى الله، إن شاء

غفرله و إن شاء عاقبه [1362] «هر کس به این بیعت وفا کرد پاداشش نزد خداوند است و هر کس مرتکب یکی از این گناهان شد و کیفر آن را دید، (اجرای حد) کفاره آن است، و هر کس گناهی انجام داد و خداوند گناه او را پوشاند، حکم آن به خدا برمی‌گردد اگر بخوهد او را عفو کند و اگر بخوهد عذابش دهد».

چه کسی حدود را اجرا کند [1363]

اجرای حدود تنها بر عهده امام و جانشین او است؛ چون پیامبر r و خلفای بعد از او در زمان حیاتشان شخصاً حدود را اجرا می‌کردند و پیامبر r گاهی در اجرای حدود برای خود جانشین تعیین می‌کرد و می‌گفت: **(واغد یا أنیس إلی امرأة هذا فإن اعترفت فارجمها)** [1364] «ای انیس فردا نزد زن این مرد برو، اگر اعتراف کرد او را رجم کن».

سید می‌تواند حد را بر برده خود اجرا کند، به دلیل فرموده پیامبر r: **(إذا زنت الأمة فتبین زناها فليجلدها الحد ولايثر ب عليها، ثم إن زنت الثالثة، فليبعها ولو بحبل من شعر)** [1365] «هرگاه ثابت شد کنیزی مرتکب زنا شده است، (سیدش) باید حد تازیانه را بر او اجرا کند و بیش از آن او را توبیخ نکند، پس اگر برای بار دوم زنا کرد دوباره باید او را تازیانه بزند و از توبیخ او خودداری نماید، و اگر برای بار سوم زنا کرد، باید او را بفروشد هرچند به قیمت ریسمانی از مو هم باشد».

فهرست

حد زنا

زنا حرام و از بزرگترین گناهان کبیره است

خداوند متعال می‌فرماید:

(وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانَةَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا) (اسراء : 32)

«و (با انجام مراحل و انگیزه‌های زنا) به زنا نزدیک نشوید که زنا گناه بسیار زشت و راه و روشی بد است».

از عبدالله بن مسعود روایت است: از پیامبر r سؤال کردم کدامین گناه بزرگتر است؟ فرمود: **(أن تجعل لله ندا و هو خلقك)** «اینکه برای خدا شریک قرار دهی در حالی که او تو را آفریده است» گفتم: بعد از آن چی؟ فرمود: **(أن تقتل ولدك مخافة أن يطعم معك)** «فرزندت را از ترس اینکه با تو غذا بخورد بکشی» گفتم بعد از آن چی؟ فرمود: **(أن تزني بحليلة جارك)** [1366] «با زن همسایهات زنا کنی».

خداوند متعال می‌فرماید:

(وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا. يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخَذُ فِيهِ

مَهَانًا. إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ
(فرقان : 68 - 70)

«و کسانی که با خدا معبود دیگری را به فریاد نمی‌خوانند و عبادت نمی‌کنند و انسانی که الله خونس را حرام کرده به قتل نمی‌رسانند مگر به حق و زنا نمی‌کنند، چرا که هر کس این (کارهای ناشایست) را انجام دهد، کیفر آنرا می‌بیند و در روز قیامت عذابش مضاعف می‌شود و برای ابد در جهنم به ذلیلی می‌ماند مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد که خداوند بدیها و گناهان ایشان را به خوبیها و نیکی‌ها تبدیل می‌کند».

در حدیث طولانی‌ای که سمره بن جندب درباره رؤیای پیامبر r روایت کرده آمده که پیامبر r فرمود: (فَانْطَلَقْنَا فَأَتَيْنَا عَلَى مِثْلِ التَّنُورِ، قَالَ: وَأَحْسَبُ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: فَإِذَا فِيهِ لَغَطٌ وَأَصْوَاتٌ، قَالَ: فَاطْلَعْنَا فِيهِ، فَإِذَا رِجَالٌ وَ نِسَاءٌ عِرَاءٌ، وَ إِذَا هُمْ يَأْتِيهِمْ لَهَبٌ نِ اسْفَلِ مِنْهُمْ، فَإِذَا أَتَاهُمْ ذَلِكَ اللَّهَبُ ضَوْضُوا، قَالَ: قُلْتُ لَهُمَا: مَا هَؤُلَاءِ، قَالَا: وَ أَمَا الرَّجَالُ النِّسَاءُ العِرَاءُ الَّذِينَ فِي مِثْلِ التَّنُورِ فَهَمُ الزَّوَانِي وَالزَّوَانِي) [1367] «رقتیم تا به (چاهی) مانند تنور رسیدیم، (راوی) گوید: گمان می‌کنم پیامبر r فرمود: که از آن سروصداهایی به گوش می‌رسید، فرمود به آن نگاه کردیم، زنان و مردان عریانی را دیدیم که شعله‌های آتش از زیر آنها بلند می‌شد و وقتی که به آنها می‌رسید، داد و فریاد می‌زدند. پیامبر به آندو (فرشته همراه) گفت: اینان چه کسانی هستند؟ جواب دادند: مردان و زنان عریانی که در چاه تنور مانند بودند، زنان و مردان زناکار هستند».

از ابن عباس (رض) روایت است که پیامبر r فرمود: (لَا يَزْنِي الْعَبْدُ حِينَ يَزْنِي وَ هُوَ مُؤْمِنٌ، وَ لَا يَسْرِقُ حِينَ يَسْرِقُ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ، وَ لَا يَشْرِبُ حِينَ يَشْرِبُ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ، وَ لَا يَقْتُلُ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ، قَالَ عِكْرِمَةُ: قُلْتُ لِابْنِ عَبَّاسٍ، كَيْفَ يَنْزِعُ الْإِيمَانَ مِنْهُ؟ قَالَ هَكَذَا - وَ شَبِكٌ بَيْنَ أَصَابِعِهِ ثُمَّ أَخْرَجَهَا - فَإِنَّ تَابَ عَادَ إِلَيْهِ هَكَذَا - وَ شَبِكٌ بَيْنَ أَصَابِعِهِ) [1368] «بنده زناکار در حال زنا مؤمن نیست و دزد در حال دزدی مؤمن نیست و شرابخوار در حال نوشیدن شراب مؤمن نیست و (قاتل) در حال قتل مؤمن نیست. عکرمة گوید: به ابن عباس گفتیم: چگونه ایمان از او سلب می‌شود؟ گفت: اینطور: - وانگشتانش را در هم فروکرد، سپس آنها را در آورد و گفت: اگر توبه کرد، ایمان اینطور به او برمی‌گردد - وانگشتانش را در هم فرو برد-».

فهرست

اقسام زناکاران:

شخص زناکار محصن و یا غیر محصن است:

اگر شخصی آزاد، محصن (ازدواج کرده) و مکلف [1369] و مختار مرتکب زنا شدف باید رجم شود تا بمیرد:

از جابر بن عبدالله انصاری روایت است : (أن رجلا من أسلم، أتى رسول الله ﷺ فحدثه أنه قد زنى، فشهد على نفسه أربع شهادات، فأمر به رسول الله ﷺ فرجم، و كان قد أحسن)^[1370] «مردی از قبیله اسلم نزد پیامبر آمد و به او گفت : زنا کرده‌ام، چهار بار اقرار کرد و گفت : زنا کرده‌ام، پیامبر دستور داد تا رجم شود، آن مرد محسن (ازدواج کرده) بود».

از ابن عباس (رض) روایت است که روزی عمر بن خطاب^t برای مردم خطبه خواند و گفت : (إن الله بعث محمداً بالحق، و أنزل عليه الكتاب، فكان مما أنزل الله آية الرجم، فقرأناها و عقلناها و وعيناها، رجم رسول الله ﷺ و رجمنا بعده، فأخشي إن طال بالناس زمان أن يقول قائل : والله ما نجد آية الرجم في كتاب الله، فيضلوا بترك فريضة، أنزلها الله، والرجم في كتاب الله حق على من زنى إذا أحسن من الرجال و النساء، إذا قامت البينة أو كان الحبل أو الاعتراف)^[1371] «به راستی خداوند محمد را به حق مبعوث و قرآن را بر او نازل کرد. از جمله آیاتی که خداوند نازل کرد آیه رجم است، که آنرا خواندیم و درک و حفظ نمودیم. پیامبر (طبق آن زناکار محسن را) رجم کرد و ما هم بعد از او رجم کردیم. بیم دارم اگر زمان طولانی بر مردم بگذرد، کس بگوید : به خدا قسم آیه رجم را در کتاب خدا نیافتیم، در نتیجه با ترک واجبی که خداوند نازل کرده گمراه شوند، رجم در کتاب خداحق است و باید بر هر زن و مرد محسنی اجرا شود، و این زمانی است که شهود گواهی دهند یا زن حامله گردد یا به آن اعتراف کند».^[1372](*)

فهرست

حد برده:

اگر برده یا کنیزی مرتکب زنا شود، رجم نمی‌گردد بلکه باید پنجاه تازیانه به او زده شود، به دلیل فرموده خداوند متعال :

(فَإِذَا أَحْصِيَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ)
(نساء : 25)

«اگر پس از ازدواج از ایشان (جاریه‌ها) زنا سرزد عقوبت ایشان نصف عقوبت زنان آزاده (یعنی پنجاه تازیانه) است».

از عبدالله بن عیاش مخزومی روایت است : (أمرني عمر بن الخطاب في فتية من قریش، فجلدنا ولأند من ولأند الإمارة، خمسين خمسين في الزنا)^[1373] «عمر بن خطاب به من و جماعتی از جوانان قریش دستور داد تا تعدادی از جاریه‌های امارت را به خاطر زنا تازیانه بزنیم، به هر کدام از آنها پنجاه تازیانه زدیم».

بر کسی که به زور وادار به زنا شود حدی نیست:

از ابو عبدالرحمن سلمی روایت است: (أتى عمر بن الخطاب بامرأة جدها العطش، فمرت على راع فاستسقت، فأبى أن يسقيها إلا أنتمكنه من نفسها، ففعلت فشاور الناس في رجمها، فقال عليّ هذه مضطرة أرى أن تخلى سبيلها، ففعل) [1374] «زنی را نزد عمر بن خطاب آوردند که تشنگی بر او چیره شده بود و از کنار چوپانی گذشته و از او درخواست آب کرده بود، چوپان دادن آب را بر او تا انجام عمل زشت امتناع ورزیده بود، آن زن هم (از روی ناچاری) قبول کرده بود. لذا عمر درباره رجم آن زن با مردم مشورت کرد، علیّ گفت: این زنجبور به انجام این کار شده است؛ به نظر من باید او را به حال خودش بگذارید، عمر همین کار را کرد».

حد غیر محصن (ازدواج نکرده):

خداوند متعال می فرماید:

(الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشَهِدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (نور: 2))

«هر یک از زن و مرد زناکار (ازدواج نکرده) را صد تازیانه بزنید و در (اجرای قوانین) دین خدا رأفت نسبت بدیشان نداشته باشید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، و باید گروهی از مؤمنان بر اجرای حد بر ایشان حاضر باشند».

از زید بن خالد جهنی روایت است: (سمعت النبي ﷺ يأمر فيمن زنى ولم يحصن جلد مائة و تغريب عام) [1375] «شنیدم پیامبر دستور داد فرد غیر محصنی که مرتکب زنا شده بود را صد تازیانه بزنند و یکسال تبعید کنند».

از عباده بن صامت روایت است: پیامبر فرمود: (خذوا عني عني، قد جعل الله لهن سبيلا، البكر بالبكر جلد مائة و نفى سنة، و الثيب بالثيب، جلد مائة و الرجم) [1376] «از من یاد بگیرید از من یاد بگیرید، خداوند چاره زنان زناکار را مشخص کرده است. غیر محصن (ازدواج نکرده) صد تازیانه و یکسال تبعید، و محسن (ازدواج کرده) زناکار صد تازیانه و سنگسار کردن».

فهرست

با چه چیزی حد ثابت می شود:

حد به یکی از دو چیز ثابت می شود: [1377]، اقرار یا شهود:

حد با اقرا ثابت می‌شود؛ چون پیامبر r معز و غامدیه را بخاطر اقراری که کردند رجم کرد :

از ابن عباس (رض) روایت است : (لما أتىما عز بن مالك النبي r قال له، لعنك قبلت أو غمزت أو نظرت، قال لا يا رسول الله، قال : أنكتها؟ - لا يكنى - قال : فعند ذلك أمر بـ [\[1378\]](#) «وقتی ما عز بن مالک نزد پیامبر r آمد، پیامبر به او گفت : شاید او را بوسیده‌ای یا لمس یا نگاه کرده‌ای، گفت : نه ای رسول خدا، پیامبر r (با لفظ صریح) فرمود : آیا با او جماع کرده‌ای - به کنایه نگفت - (ابن عباس) گوید : در این هنگام پیامبر دستور به رجم او داد».

از سلیمان بن بریده از پدرش روایت است : (أن النبي r جاءته امرأة من غامد من الأزدي فقالت : يا رسول الله طهرني، فقال : ويحك ارجعي فاستغفري الله و توبى إليه، فقالت : أراك تريد أن ترتدي كما رددت معز بن مالك، قال : و ما ذاك؟ قالت : إنها حبلى منال زنا، قال : أنت؟ قالت : نعم، فقال لها : حتى تضعي ما فى بطنك، قال : فكفلها رجل من الأنصار حتى وضعت، قال : فأتى النبي r فقال : قد وضعت الغامدية، فقال : إذن لانرجمها و ندع ولدها صغيرا ليس به من يرضعه، فقام رجل من الأنصار فقال : إلی رضاعه يا نبي الله، قال : [\[1379\]](#) «زنی غامدی از قبیله ازد نزد پیامبر r آمد و گفت : ای رسول خدا! مرا پاک کن، پیامبر r فرمود : وای بر تو! برگرد و از خدا طلب استغفار و توبه کن، (زن) گفت : می‌بینم که می‌خواهی من را هم مانند ماع بن مالک رد کنی، پیامبر r فرمود : چه کرده‌ای؟ (آن زن) گفت : او در اثر زنا حامله شده است. فرمود : تو؟ گفت : بله، پیامبر به او فرمود تا وقتی وضع حمل نکنی حد بر تو جاری نمی‌شود، (سلیمان) گوید : مردیاز انصار سرپرستی او را بر عهده گرفت تا وضع حمل کرد. (سلیمان) گوید : سپس آن مرد نزد پیامبر r آمد و گفت : زن غامدیه وضع حمل کرده است، پیامبر فرمود : در این حالت او را رجم نمی‌کنیم، که بچه کوچکش تنها بماند و کسی نباشد که به او شیر بدهد، مردی از انصار بلند شد و گفت : ای رسول خدا! شیر دادن او بر عهده من. (سلیمان) گوید : پیامبر r او را رجم کرد».

اگر کسی که به زنا اقرار کرده است، از اقرارش پشیمان شود حد بر او جاری نمی‌شود؛ به دلیل حدیث نعیم بن هزال که گوید :

ماعز بن مالک، یتیمی بود تحت سرپرستی پدرم، و با یکی از زنان محله زنا کرد ... تا جایی که گفت : پیامبر دستور داد که او را رجم کنند، پس او را به حره بردند. وقتی که او را رجم کردند، و دید که سنگ به شدت به او می‌خورد بی‌تابی کرد و پا بفرار گذاشت، عبدالله بن انیس او را دید، در حالی که دوستانش نتوانستند او را بگیرند، عبدالله سم شتری را برداشت و او زد، و او را کشت، سپس نزد پیامبر r آمد و جریان را برایش تعریف کرد، پیامبر فرمود : (هلا ترکتموه لعنه أنیتوب فیتوب الله علیه) [\[1380\]](#) «چرا او را به حال خودش رها نکردید، شاید توبه می‌کرد و خداوند توبه او را قبول می‌کرد».

حکم کسی که بگوید: با فلان زن زنا کرده‌ام:

اگر مردی اعتراف کند که با فلان زن زنا کرده است، حد تنها بر او جاری می‌شود و اگر زن هم به این امر اعتراف کرده، بر او هم حد جاری می‌شود در غیر اینصورت حد جاری نمی‌شود.

از ابوهریره و زید بن خالد روایت است: «دو خصم نزد پیامبر^۲ شکایت بردند، یکی از آنها گفت: میان ما با کتاب خدا داوری کن، دیگری – که از دوستش به مسائل شرعی آگاهتر بود – گفت: آری ای پیامبر خدا میان ما به کتاب خدا داوری کن، و به من اجازه بده صحبت کنم، پیامبر^۲ فرمود: صحبت کن، آن مرد گفت: پسر من عسیف این مرد بود – مالک گوید: عسیف بمعنی کارگر است – و با همسر او زنا کرده، به من خبر دادند که پسر من باید رجم شود، من هم صد گوسفند و کنیزم را در عوض این کار دادم، سپس از اهل علم سؤال کردم به من گفتند که سزای پسر من صد تازیانه و یکسال تبعید است و تنها همسر آن مرد باید رجم شود. پیامبر^۲ فرمود: (أما والذي نفسي بيده، لأقضين بينكما بكتاب الله، أما غنمك و جاريتك فرد عليك) «قسم به ذاتی که جانم در دست او است بین شما به کتاب خدا داوری می‌کنم، گوسفندان و کنیزت به خودت برمی‌گردند، و پسر او را صد تازیانه زد و یک سال تبعید کرد و به انیس اسلمی دستور داد که نزد آن مرد برود، اگر اعتراف کرد رجمش کند، آن زن اعتراف کرد و او را رجم کرد».^[1381]

فهرست

ثبوت زنا با شهادت شهود:

خداوند متعال می‌فرماید:

(وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ)

(نور: 4)

«کسانی که به زنان پاکدامن نسبت زنا می‌دهند؛ سپس چهار شاهد نمی‌آورند؛ بدیشان هشتاد شلاق بزنید و هرگز گواهی دادن آنان را نپذیرید، و چنین کسانی فاسق هستند».

اگر چهار مرد مسلمان، آزاد و عادل شهادت بدهند که آلت تناسلی فلان مرد را در فرج فلان زن مانند فرورفتن میل در سرمه‌دان، و ریسمان در چاه، دیده‌اند بر آن زن و مرد حد جاری می‌شود.

ولی اگر سه نفر شهادت بدهند و چهارمی شهادت ندهد، حد قذف (تهمت) بر آن سه نفر جاری می‌شود، به دلیل آیه کریمه و حدیثی که از قسامه بن زهیر روایت است: «وقتی

جریان ابوبکره و مغیره روی داد - و حدیث را روایت کرد - گفت شاهدان را صدا زد، ابوبکره و شبل بن معبد و ابو عبدالله نافع شهادت دادند. وقتیکه این سه نفر شهادت دادند عمر گفت ک کار عمر سنگین شد. وقتی زیاد آمد، عمر گفت: «إن شاء الله بر چیزی جز حق شهادت نده، زیاد گفت: من به زنا شهادت نمی‌دهم ولی کار زشتی را دیدم، عمر گفت الله اکبر حد را بر آنان (سه نفر) جاری کنید، پس آنان را تازیانه زدند، (قسامه) گوید: بعد از آنکه عمر ابوبکره را زد، ابوبکره گوید: شهادت می‌دهم که او زناکار است، عمر خواست که دوباره او را تازیانه بزند ولی علی او را از این کار منع کرد و گفت: اگر می‌خواهی او را تازیانه بزنی این را رجم کن، عمر او را به حال خود رها کرد و تازیانه نزد...» [1382]

حکم کسی که با یکی از محارمش زنا کند:

اگر کسی با یکی از محارمش زنا کند، حد او کشتن است فرق نمی‌کند محصن یا غیر محصن باشد.

و اگر او را به ازدواج خود درآورد باید کشته شود و دارایی‌اش نیز مصادره گردد:

از براء روایت است: (لقیت عمی، و معه الراية، فقلت: أين تريد؟ قال: بعثني رسول الله ﷺ إلى رجل تزوج امرأة أبيه بعده، أن أضرب عنقه و آخذ ماله) [1383] «عمومی را دیدم که پرچمیبه دست داشت، گفتم: کجا می‌روی؟ گفت: پیامبر ﷺ مرا به سوی مردی فرستاده که بعد از (مگر و یا ...) پدرش با همسر او ازدواج کرده، تا گردنش را بزنم و دارایی‌اش را مصادره کنم.»

فهرست

حکم کسی که با حیوانی آمیزش کند:

از ابن عباس روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: (من وقع علی بهيمة فاقتلوه و اقتلوا البهيمة) [1384] «هر کس با حیوانی آمیزش کرد او و حیوان را بکشید.»

حد لواط:

هرگاه مردی با مردی دیگر عمل لواط را انجام دهد، حد آن کشتن است خواه محصن یا غیر محصن باشند: از ابن عباس روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: (من وجدتموه يعمل عمل قوم لوط فاقتلوا الفاعل والمفعول به) [1385] «هر کسی را یافتید که عمل قوم لوط را انجام داد، فاعل و مفعول را بکشید.»

فهرست

حد قذف

تعریف قذف:

قذف عبارت است از متهم ساختن کسی به زنا، به اینصورت که به کسی دیگر بگوید : ای زناکار! یا الفاظ دیگری که از آنها اتهام به زنا فهمیده می‌شود.

حکم قذف:

قذف از جمله گناهان کبیره و حرام است :

خداوند متعال می‌فرماید :

(إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ) (نور : 23)

«کسانی که زنان پاکدامن بی‌خبر (از هر گونه آلودگی) و ایماندار را به زنا متهم می‌کنند، در دنیا و آخرت از رحمت خدا دور و عذاب عظیمی دارند».

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : (اجتنبوا السبع الموبقات، قالوا : و ما هن یا رسول الله؟ قال : الشرك بالله، والسحر، وقتل النفس التي حرم الله إلا بالحق، وأكل الربا، و أكل مال اليتيم، والتولي يوم الزحف، و قذف المحصنات الغافلات المؤمنات)^[1386] «از هفت (گناه) هلاک کننده پرهیزید، گفتند : ای رسول خدا آنها چه هستند؟ فرمود : شریک قرار دادن برای خدا، سحر، کشتن کسی که خداوند (قتل) آنرا حرام کرده مگر به حق، خوردن ربا، خوردن مال یتیم، فرار از میدان جنگ هنگام رودررو شدن با دشمن، و نسبت دادن زنا به زنان مؤمن و پاکدامن و بی‌خبر».

هر کس مسلمانی را به زنا متهم کند (و نتواند با آوردن چهار شاهد آن را ثابت کند)، به او هشتاد تازیانه زده شود. خداوند متعال می‌فرماید :

(وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ)

(نور : 4)

«کسانی که به زنان پاکدامن نسبت زنا می‌دهند؛ سپس چهار شاهد نمی‌آورند؛ بدیشان هشتاد شلاق بزنید و هرگز گواهی دادن آنان را نپذیرید، و چنین کسانی فاسق هستند».

لعان

هرگاه مردی همسرش را متهم به زنا کرد و همسرش او را تکذیب نمود حد بر شوهر جاری می‌شود، مگر اینکه دلیل بیاورد یا لعان کند :

خداوند متعال می‌فرماید :

(وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ. وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنْ الْكَاذِبِينَ. وَيَذْرَأُ عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ. وَالْخَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ) (نور : 6 - 9)

«کسانی که زنان خود را متهم (به زنا) می‌کنند و جز خودشان شاهدانی ندارند، هر یک از ایشان باید چهار مرتبه خدای را به شاهد بطلبد که راستگو هستم. و در پنجمین مرتبه (باید بگوید) لعنت خدا بر او باد اگر دروغگو باشد، اگر زن چهار بار خدا را به شهادت بطلبد (و سوگند بخورد) که شوهرش (در اتهامی که به او می‌زند) دروغگو است عذاب (رجم) را از او دفع می‌نماید، و در مرتبه پنجم (باید بگوید که) نفرین خدا بر او باد اگر شوهرش راست بگوید.»

از ابن عباس روایت است : هلال بن امیه نزد پیامبر r همسرش را متهم کرد که با شریک بن سحماء زنا کرده، پیامبر r فرمود : (البینه أو حد في ظهرك) «باید دلیل بیاوری وگرنه حد بر پشتت جاری می‌شود»، گفت : ای رسول خدا! آیا اگر کسی از ما مردی را روی همسرش دید، می‌رود و شاهد پیدا می‌کند؟! پیامبر r فرمود : (البینه أو حد في ظهرك)، شاهد وگرنه حد بر پشتت جاری می‌شود، هلال گفت : قسم به ذاتی که تو را به حق مبعوث کرده است من راستگو هستم، و حتماً خداوند آیه‌ای نازل خواهد نمود و پشت مرا از حد نجات خواهد داد، سپس جبرئیل فرود آمد و آیه (وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ) را تا (إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ) بر پیامبر r نازل کرد، پیامبر r رفت و به دنبال آن زن فرستاد، هلال آمد و شهادت داد، پیامبر r فرمود : (إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ أَنَّ أَحَدَكُمَا كَذِبٌ فَهَلْ مِنْكُمْ تَائِبٌ) «خداوند می‌داند که یکی از شما دروغ می‌گوید آیا کسی از شما هست که توبه کند؟»، سپس آن زن بلند شد و شهادت داد، و چون نوبت پنجم شد او رانگه داشتند و به وی گفتند : این کار لعنت را بر تو واجب می‌کند، ابن عباس گفت : آن زن کمی درنگ کرد و روی گردانید بطوریکه گمان کردیم از لعان پشیمان می‌شود (و اقرار می‌کند)، سپس گفت : بعد از این آبروی خویشاوندانم را نمی‌برم و رفت، پیامبر r فرمود : (أَبْصُرْهَا فَإِنْ جَاءَتْ بِهْ أَكْحَلِ الْعَيْنَيْنِ سَابِغِ الْإِلَيْتَيْنِ، خَدْلِجِ السَّاقَيْنِ، فَهِيَ لَشْرِيكِ بْنِ سَحْمَاءَ، فَجَاءَتْ بِهْ كَذَلِكَ، فَقَالَ النَّبِيُّ r لَوْلَا مَا مَضَى مِنْ كِتَابِ اللَّهِ لَكَانَ لِي وَ لَهَا شَأْنٌ) [1387] «نگاه کنید اگر بچه‌اش متولد شد و چشمهای سیاه، باسنهای بزرگ، و پاهای پرگوشت داشت، بدانید که آن بچه از شریک بن سحماء است، وقتی بچه را به دنیا آورد به او نگاه کردند و دیدند که به همان شکلی است که پیامبر r توصیف کرده بود، پیامبر r

فرمود : اگر به خاطر حکم کتاب خدا نبود که طبق آن، لعان اجرای حد را از زن رفع می‌کند، می‌دانستم با او چه کار کنم».

احکام پس از لعان:

هرگاه زن و شوهر ملاعنه کردند، با لعنت کردنشان احکام زیر اجرا شود :

1- جدایی بین آن دو :

به دلیل حدیث ابن عمر که گفت : **(لَاعِنَ النَّبِيُّ ﷺ بَيْنَ رَجُلٍ وَ امْرَأَةٍ مِنَ الْأَنْصَارِ وَ فَرَّقَ بَيْنَهُمَا)** [1388] «پیامبر ﷺ زن و مردی از انصار را ملاعنه داد و آنها را از هم جدا کرد».

2- تحریم ابد :

به دلیل قوم سهل بن سعد : **(مَضَتِ السَّنَةُ فِي الْمُتَلَاعِنِينَ أَنْ يَفْرُقَ بَيْنَهُمَا، ثُمَّ لَا يَجْتَمِعَانِ أَبَدًا)** [1389] «سنت درباره زن و مردی که لعان کنند، این است که بین آنها جدایی انداخته شود و هرگز نتوانند دوباره با هم ازدواج کنند».

3- زن لعان کننده با لعان مستحق مهریه اش می‌گردد :

به دلیل حدیث ایوب از سعید بن جبیر که گفت : «به ابن عمر گفتم (حکم) مردی که همسرش را به زنا متهم می‌کند چیست؟ گفت : پیامبر ﷺ بین زن و مردی از بنی عجلان جدایی انداخت و فرمود : **(اللَّهُ يَعْلَمُ أَنَّ أَحَدَكُمَا لَكَاذِبٌ فَهَلْ مِنْكُمْ تَائِبٌ)** «خداوند می‌داند که یکی از شما دروغ می‌گوید. آیا کس از شما هست که توبه کند؟» آندو سرباز زدند. پیامبر ﷺ فرمود : **(اللَّهُ يَعْلَمُ أَنَّ أَحَدَكُمَا لَكَاذِبٌ، فَهَلْ مِنْكُمْ تَائِبٌ؟)**، «خداوند می‌داند که یکی از شما دروغ می‌گوید. آیا کسی از شما هست که توبه کند؟» باز هم سرباز زدند پیامبر ﷺ فرمود : **(اللَّهُ يَعْلَمُ أَنَّ أَحَدًا كَمَا لَكَاذِبٌ، فَهَلْ مِنْكُمْ تَائِبٌ؟)** دوباره آندو سرباز زدند و در نتیجه پیامبر ﷺ آنها را از هم جدا کرد.

ایوب گوید : عمرو بن دینار به من گفت : چیزی در این حدیث هست که نگفته‌ای، (عمرو) گفت : آن مرد پرسید : پس مالم چی؟ گوید : پیامبر فرمود: **(لَا مَالَ لَكَ إِنْ كُنْتَ صَادِقًا فَقَدْ دَخَلْتَ بِهَاءٍ وَ إِنْ كَانَتْ كَاذِبًا فَهُوَ أَبْعَدُ مِنْكَ)** «هیچ مالی به تو تعلق نمی‌گیرد چون اگر در ادعایت صادق باشی آن مال حقی است که به واسطه نزدیکی با زنت از آن او است و اگر دورغ گفته باشی به طریق اولی مال به تو تعلق نمی‌گیرد» [1390].

4- بچه‌ای که از زن لعان کننده متولد شود، به او داده می‌شود :

به دلیل حدیث ابن عمر : **(أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ لَاعِنَ بَيْنَ رَجُلٍ وَ امْرَأَتِهِ، فَانْتَفَى مِنْ وَلَدِهَا، فَفَرَّقَ بَيْنَهُمَا وَ أَحْلَقَ الْوَلَدَ بِالْمَرَّةِ)** [1391] «پیامبر ﷺ بین زن و شوهری ملاعنه داد، مرد فرزند زنش را از خود نفی کرد، پیامبر ﷺ آنها را از هم جدا کرد و فرزند را به زن داد».

5- ثبوت ارث بین زن ملاحنه و فرزندش :

به دلیل قول ابن شهاب در حدیث سهل بن سعد : (فكانت السنة بعدهما أن يفرق بين المتلاعنين، و كانت حاملا، و كان ابنها يدعى لأمه) قال : (ثم جرت السنة في ميراثها أنها ترثه، و يرث منها ما فرض الله له) [1392] «بعد از (لعان آن زن و شوهر) سنت بر این تثبیت گردید که زن و مرد متلاعن از هم جدا شوند و اگر آن زن حامله بود، فرزندش به مادرش نسبت داده می‌شود» گفت «سپس سنت درباره میراث زن بر این است که زن از فرزندش، و فرزند او به اندازه‌ای که خداوند تعیین کرده است، ارث ببرد».

فهرست

حد شرابخوری

تحریم شراب:

خداوند متعال می‌فرماید :

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبُغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ) (مائده : 90 - 91)

«ای مؤمنان، شرابخواری و قماربازی و بت‌ها و تیرها (و سنگ‌ها و اوراقی که برای بخت‌آزمایی و غیب‌گویی) بکار می‌برید، پلیدند و از عمل شیطان می‌باشند. پس از (این کارهای) پلید دوری کنید تا اینکه رستگار شوید، شیطان می‌خواهد از طریق شرابخواری و قماربازی در میان شما عداوت و کینه‌توزی ایجاد کند و شما را از یاد خدا و خواندن نماز باز دارد. پس آیا دست می‌کشید و بس می‌کنید؟».

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود :

(لايزني الزاني حين يزني و هو مؤمن، ولا يشرب الخمر حين يشرب و هو مؤمن) [1393] «زناکار در حالی که زنا می‌کند ایمان ندارد، و شراب خوار در حالی که شراب می‌خورد ایمان ندارد».

از عبدالله بن عمرو روایت است که پیامبر r فرمود :

(الخمر أم الخبائث، فمن شربها لم تقبل صلاته أربعين يوما فإن مات و هي في بطنه ما ميتة جاهلية) [1394] «شراب ام الخبائث (اساس پلیدیها) است، پس هر کس آنرا بنوشد تا چهل روز نمازش قبول نمی‌شود و اگر بمیرد در حالیکه شراب در شکمش باشد، به مرگ جاهلیت مرده است».

از ابن عباس روایت است که پیامبر r فرمود :

(الخمير أم الفواحش، و أكبر الكبائر، من شربها وقع على أمه و خالته و عمته) [1395] «شراب ام الفواحش و از بزرگترین گناهان است، کسی که آنرا بنوشد، به مادر و خاله و عمه اش تجاوز می کند».

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : **(مدمن الخمر كعابد وثن)**. [1396]

«معتاد به شراب همانند بت پرست است».

از ابودرداء روایت است که پیامبر r فرمود : **(لا يدخل الجنة مدمن الخمر)**. [1397]

«معتاد به شراب وارد بهشت نمی شود».

از ابن عمر روایت است که پیامبر r فرمود : **(لعنت الخمر على عشرة أوجه : بعينها، و عاصرها، و معتصرها، بائعها، و مبتاعها و حاملها، و المحمولة إليه، و أكل ثمنها، و شاربها، و ساقياها)** [1398] «شراب از ده جهت لعنت شده است : خود شراب، کسی که راب را دست می کند، کسی که به درخواست او شراب گرفته می شود، فروشنده، خریدار، حمل کننده، کسی که شراب برای او حمل می شود، خورنده پول آن و خورنده خود آن و ساقی آن».

شراب چیست؟

از ابن عمر روایت است که پیامبر r فرمود : **(كل مسكر خمر، و كل خمر حرام)** [1399] «هر مست کننده ای شراب و هر شرابی حرام است».

از عایشه (رض) روایت است : از پیامبر r درباره «بتع» سؤال شد - بتع شرابی است که از عسل گرفته می شود، و اهل یمن آنرا می خوردند - پیامبر r فرمود : **(كل شراب أسكر فهو حرام)** [1400] «هر نوشیدنی که مست کند، حرام است».

از ابن عمر (رض) روایت است : عمر بر منبر ایستاد و گفت : **(أما بعد : نزل تحريم الخمر و هي من خمسة : العنب، و التمر، و العسل، و الحنطة، و الشعير، و الخمر ما خامر العقل)** [1401] «اما بعد : حکم تحريم خمر نازل شده در حالیکه خمر از پنج چیز گرفته می شود : انگور، خرما، عسل، گندم و جو، و خمر هر آن چیزی است که عقل را بیوشاند».

از نعمان بن بشیر روایت است که پیامبر r فرمود : **(إن من الحنطة خمرأ، و من الشعير خمرأ، و من الزبيب خمرأ، و من التمر خمرأ، و من العسل خمرأ)** [1402] «همانا از گندم شراب گرفته می شود، از جو شراب گرفته می شود، و از مویز شراب گرفته می شود، از خرما شراب گرفته می شود، و از عسل شراب گرفته می شود».

کم و زیاد (در تحریم) شراب تفاوتی ندارد:

از عبدالله بن عمر روایت است که پیامبر r فرمود: **(کل مسکر حرام، و ما أسکر کثیره فقليله حرام)** [1403] «هر مست‌کننده‌ای حرام است و هر چه مقدار زیاد آن مست‌کننده باشد، مقدار اندک آن نیز حرام است».

از عایشه روایت است که پیامبر r فرمود: **(کل مسکر حرام، و ما أسکر الفرق منه فملء الکف منه حرام)** [1404] «هر مست‌کننده‌ای حرام است و هر چیزی که خوردن یک «فرق»^(*) از آن انسان را مست کند، یک مشت از آن نیز حرام است».

فهرست

حد شرابخور:

هرگاه شخص مکلفی با اختیار خود شراب بخورد و بداند که شراب است، چهل تازیانه به او زده می‌شود، ولی حاکم می‌تواند بنا به صلاح‌دید خود تا هشتاد تازیانه به او بزند: به دلیل حدیثی که حصین بن منذر روایت کرده: **(أَنْ عَلِيَا جَلَدَ الْوَلِيدَ ابْنَ عَقْبَةَ فِي الْخَمْرِ أَرْبَعِينَ، ثُمَّ قَالَ: جَلَدَ النَّبِيَّ r أَرْبَعِينَ، وَ أَبُو بَكْرٍ أَرْبَعِينَ، وَ عُمَرُ ثَمَانِينَ، وَ كُلُّ سَنَةٍ، وَ هَذَا أَحَبُّ إِلَيَّ)** [1405] «علی به خاطر شرابخواری چهل تازیانه به ولید بن عقبه زد، سپس گفت: پیامبر r به شرابخوار چهل تازیانه و ابوبکر چهل تازیانه و عمر هشتاد تازیانه می‌زد، تمام اینها سنت است، ولی من این (چهل تازیانه) را بیشتر دوست دارم».

هرگاه کسی نوشیدن شراب را تکرار کند و هر بار حد بر او جاری شود و باز هم نوشیدن آن ادامه دهد، امام می‌تواند او را بکشد:

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود: **(إِذَا سَكَرَ فَاجْلِدُوهُ، فَإِنْ عَادَ فَاجْلِدُوهُ، ثُمَّ قَالَ فِي الرَّابِعَةِ: فَإِنْ عَادَ فَاضْرِبُوا عُنُقَهُ)** [1406] «هرگاه کسی شراب نوشید به او تازیانه بزنید، اگر تکرار کرد دوباره او را تازیانه بزنید، اگر هم تکرار کرد او را تازیانه بزنید، سپس در مرتبه چهارم فرمود: اگر تکرار کرد گردنش را بزنید».

چه زمانی حد بر شرابخوار جاری می‌شود؟

حد بر شرابخوار پس از یکی از دو حالت زیر جاری می‌شود: [1407]

1- اقرار.

2- شهادت دو نفر عادل.

دعای شر بر شرابخوار جایز نیست

از عمر بن خطاب روایت است که در زمان پیامبر r مردی بود بنام عبدالله و ملقب به حمار که پیامبر r را می‌خنداند پیامبر به خاطر شرابخواری، او را تازیانه زده بود، روزی او را آوردند و پیامبر دستور داد که او را تازیانه بزنند. مردی از میان جماعت گفت: خداوندا! او را لعنت کن، چقدر او را برای تازیانه زدن می‌آورند! پیامبر r فرمود: **(لَاتَلْعَنُوهُ فَوَاللَّهِ مَا عَلِمْتُ أَنَّهُ يَحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ)** [1408] «او را لعنت نکنید، (چون) به خدا قسم نمی‌دانی که او خدا و رسول او را دوست دارد».

از ابوهریره روایت است: مرد مستی را نزد پیامبر r آوردند، دستور داد که او را بزنند بعضی از ما با دست، و بعضی با نعل، و بعضی با لباس، او را زدیم، وقتی آن مرد رفت شخصی گفت: چه کرده خدا او را خوار کند، پیامبر r فرمود: **(لَاتَكُونُوا عَوْنِ الشَّيْطَانِ عَلٰى اٰخِيكُمْ)** [1409] «بر علیه برادران یاور شیطان نباشید».

فهرست

حد سرقت (دزدی):

یکی از دستورات مهم اسلام، حفظ و نگهداری اموال است. اسلام امر نموده تا مال از راه حلال کسب شود (و اصل در هر چیز مباح بودن است) و کسب آنرا از راه حرام نهی کرده، و راههای کسب حرام را هم بیان کرده است. خداوند متعال می‌فرماید:

(وَ قَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ اِلَّا مَا اضْطُرُّنَا اِلَيْهِ)

(انعام : 119)

«و بطور یقین آنچه را که بر شما حرام کرده، برایتان بیان نموده است».

سرقت یکی از کسب‌های حرام است:

و آن عبارت است از گرفتن و برداشتن مال دیگران به صورت پنهانی و پوشیده. [1410]

و از گناهان کبیره می‌باشد، و حد آن بوسیله کتاب، سنت، و اجماع امت، ثابت است، خداوند متعال می‌فرماید:

(وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوْا اَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ) (مائده : 38)

«دست‌های مرد و زن دزد را قطع کنید (این) کیفر عملی است که انجام داده‌اند و مجازاتی است از جانب خدا، و خداوند (بر کار خود) چیره (و در قانونگذاری خویش) حکیم است».

از عبدالله بن عمر (رض) روایت است: (أن رسول الله قطع سارقاً في مجن قيمته ثلاثة دراهم) [1411]. «پیامبر دست دزدی را بخاطر (دزدیدن) سپری که سه درهم ارزش داشت قطع کرد».

ابن منذر گوید: اجماع کرده‌اند که هرگاه دو مسلمان آزاد و عادل گواهی دهنده که شخصی دزدی کرده واجب است دستش قطع شود.

پس اگر شخصی بالغ و عاقل با اختیار خودش دزدی کرد، سپس به آن اعتراف نمود، یا دو نفر عادل به دزدی او گواهی دادند، واجب است که حد بر او جاری شود. مشروط بر اینکه آن مال به حد نصاب رسیده و در مکانی محفوظ قرار گرفته باشد.

از عائشه (رض) روایت است که پیامبر فرمود: (لا تقطع يد السارق إلا في ربع دينار فصاعداً) [1412]. «دست دزد قطع نمی‌شود مگر در یک چهارم دینار و بیشتر از آن».

ابن منذر گوید: اجماع کرده‌اند که قطع کردن دست دزدی واجب است که به اندازه نصاب، از مالی که در مکان محفوظی قرار گرفته، دزدی کرده باشد. [1413]

حرز: هر آنچه که در آن مال نگهداری و حفظ شود حرز گویند: مانند: منزل، خزانه، و مکان قفل شده، و مانند اینها...

صاحب «روضه الندیه» (2/277) گوید:

حرز آن است که مردم همانند آن را برای حفظ و نگهداری مال به شمار آورند، بنابراین خانه مخصوص نگهداری گاه (که به آن کاهدان می‌گویند) برای گاه، حرز محسوب می‌شود، تویله برای حیواناتی مانند: گاو، گوسفند، ... حرز به شمار می‌آید و محل نگهداری خرما (خرمن‌گاه) حرز به حساب می‌آید.

از عبدالله بن عمرو بن عاص روایت است: از رسول الله سؤال شد: حکم خرمایی که بر درخت آویزان است چیست؟ فرمود: (من أصاب منه بفيه من ذي حاجة غير متخذ خبنة فلا شيء عليه، و من خرج بشيء فعليه غرامة مثليه و العقوبة، و من سرق منه شيئاً بعد أن يؤويه الجرين، فبلغ ثمن المجن فعليه القطع) [1414]. «هر نیازمندی که از آن بخورد و با خودش نبرد، گناهی بر او نیست، و هر کس چیزی از آن را با خود ببرد باید دو برابر آن را بعنوان غرامت بپردازد و مجازات شود، و هر کس از آن از محل نگهداریش (خرمن‌گاه) به ارزش سپری دزدید دستش قطع شود».

هر کسی مالش به سرقت رفت می‌تواند قبل از آنکه قضیه سرقت به سلطان (قاضی) کشیده شود، از سارق گذشت کند.

صفوان ابن امیه گوید: در مسجد بر گلیم خود که سی درهم ارزش داشت، خوابیده بودم، مردی آمد و آنرا ربود، آن مرد را گرفتند و نزد پیامبر آوردند، دستور داده شد، که

دستش قطع شود، گوید : (پیش پیامبر آمدم گفتم : آیا دست او را به خاطر سی درهم قطع می‌کنی؟ من آن را به او نسپه می‌فروشم)، پیامبر فرمود : **(فَهَلَا كَانَ هَذَا قَبْلَ أَنْ تَأْتِنِي بِهِ)** [1415] چرا قبل از اینکه او را بیاورند این کار را نکردی».

فایده : صاحب الروضه الندیه (2/279) گوید :

علما اتفاق نظر دارند که رهگاہ سارق برای بار اول دزدی کرد، دست راستش قطع شود و هرگاه بار دوم دزدی کرد پای چپش قطع شود، و در اینکه بار سوم دزدی کند پس از قطع دست و پایش چه شود؟ اختلاف هست، اکثر علما گفته‌اند دست چپش قطع شود [استاد ما در «التعلیقات الرضیه 3/298» گوید : همین حکم نزد بیهقی از ابوبکر و عمر به صحت رسیده است (284/8)]، و اگر پس از آن برای بار چهارم دزدی کرد، پای راستش هم قطع می‌شود، و اگر پس از آن دزدی کرد تعزیر و زندانی شود. اُھ.

فهرست

حد حرابه (راهزنی)

تعریف حرابه: [1416]

حرابه عبارت از شورش گروهی از مسلمانان در دارالاسلام بوسیله هرج و مرج، ریختن خون، غارت اموال، تجارت به ناموس و از بین بردن محصولات و کشتن مخلوقات، به قصد تضعیف و تهدید دین، اخلاق و نظم و قانون است.

حکم حرابه:

حرابه از بزرگترین جرایم است و به همین خاطر مجازات آن نیز از سخت‌ترین مجازات‌هاست :

خداوند متعال می‌فرماید :

(إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ) (مائده : 33)

«کیفر کسانی که (بر حکومت اسلامی می‌شورند و بر احکام شریعت می‌تازند و بدینوسیله) با خدا و پیامبرش می‌جنگند و در روی زمین دست به فساد می‌زنند، این است که کشته یا به دار زده شوند، یا دست و پای آنها در جهت عکس یکدیگر بریده شود، یا اینکه از جایی به جایی تبعید گردند و یا زندانی شوند. این رسوایی آنان درد دنیا است و برای ایشان در آخرت مجازات بزرگی است.»

از انس^t روایت است : (قدم على النبي r نفر من عكل فأسلموا، فاجتوا المدينة، فأمرهم أن يأتوا إبل الصدقة فشربوا من أبقالها و ألبانها، ففعلوا فصحوا، فارتدوا فقتلوا رعاتها، واستاقوا الإبل فبعث في آثارهم فأتى بهم، فقطع أيديهم و أرجلهم، و سمل أعينهم، ثم لم يحسمهم حتى ماتوا)^[1417] «چند نفری از قبیله عكل نزد پیامبر r آمدند و مسلمان شدند، آب و هوای مدینه با آنان سازگار نشد، پیامبر r به آنان دستور داد به صحرا پیش شتران صدقه بروند و از ادرار و شیر آنها بخورند، این کار را کردند و بهبود یافتند، سپس مرتد شدند و ساربان شترها را کشته و شترها را دزدیدند، پیامبر r چند کسانی را در پی آنان فرستاد، آنان را گرفتند و نزد پیامبر r آوردند، او هم دستها و پاهایشان را قطع و چشمانشان را کور کرد و تا مرگ رهایشان نکرد».

توبه راهزنان قبل از دستگیری

خداوند متعال می فرماید :

(إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (مائده :

34)

«مگر کسانی که پیش از دست یافتن شما بر آنان از کرده خود پشیمان شوند و توبه کنند، چه بدانید که خداوند دارای مغفرت و رحمت فراوان است».

فهرست